

وابستگی متقابل پیچیده: چارچوبی برای تحلیل روابط هند و ایالات متحده

عبدالمجید سیفی¹
مهدی محمدنیا²

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

-
- درجه مقاله: علمی- پژوهشی
تاریخ دریافت مقاله: 1401/02/13
تاریخ پذیرش مقاله: 1401/09/09
- ¹. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی، نویسنده
مسئول، seifi2002@gmail.com
- ². استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی،
Mahdi.mnia@yahoo.com

چکیده

در روابط بین‌الملل، وجود منافع مشترک در حوزه‌های مختلف، زمینه همکاری بین کشورها را فراهم می‌کند و رشد این همکاری‌ها در طول زمان منجر به وابستگی متقابل می‌شود. بسط همکاری‌ها به حوزه‌های مختلف و کنار رفتن سلسله مراتب در موضوعات همکاری، می‌تواند سبب گذار به وابستگی متقابل پیچیده شود. هدف این مقاله بررسی روابط هند و ایالات متحده در چارچوب وابستگی متقابل پیچیده است. بعد از جنگ سرد، هند و ایالات متحده روابط رو به رشدی را به سمت وابستگی متقابل تجربه نموده و به‌طور خاص بعد از توافق اتمی سال ۲۰۰۵، دو کشور به سوی نوعی وابستگی متقابل پیچیده حرکت کرده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا می‌توان از نظریه وابستگی متقابل پیچیده برای تبیین روابط هند و ایالات متحده پس از جنگ سرد بویژه از زمان توافق هسته‌ای غیرنظامی (۲۰۰۵) با هند، استفاده کرد؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به وجود سه ویژگی کانال‌های ارتباطی متعدد بین دو کشور، کاهش نقش نیروی نظامی و عدم وجود سلسله مراتب مشخص در روابط دو کشور، نظریه وابستگی متقابل پیچیده از قابلیت بیشتری برای توضیح روابط هند و آمریکا بعد از توافق اتمی سال ۲۰۰۵، برخوردار است. یافته مقاله این است که با توجه به تعمیق و تنوع روابط هند و ایالات متحده، روابط آن‌ها از مرحله وابستگی متقابل عبور کرده و وارد مرحله وابستگی متقابل پیچیده شده است. این مقاله با روش توصیفی و تبیینی نگاشته شده و شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، استفاده از مجلات تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی بوده است.

• واژگان کلیدی

وابستگی متقابل پیچیده، ایالات متحده، هند، چین.

مقدمه

شراکت ایالات متحده و هند به خاطر اجماع دو حزبی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، از یک پشتوانه قوی برخوردار است. این رابطه از اوایل دهه ۱۹۹۰ و به‌ویژه از اوایل دهه ۲۰۰۰، به شدت رشد کرده و سیر صعودی به خود گرفته است. در طول جنگ سرد، روابط بین دو طرف تا حد بالایی گرم نبود و هند تنها در مواقع تنش‌های مهم در جنوب آسیا نیم‌نگاهی به واشنگتن داشت و ایالات متحده نیز اغلب برای مهار نفوذ شوروی به هند توجه داشت. پس از جنگ سرد، فرصت مناسبی برای توسعه روابط آمریکا و هند به‌ویژه در حوزه‌های تجارت، همکاری‌های هسته‌ای غیرنظامی، نگرانی‌های مشترک در رابطه با تروریسم و گسترش نفوذ چین، فراهم شد.

در این دوران، روابط ایالات متحده و هند به شکل جدی تغییر کرد و ایالات متحده به ویژه از دوره ریاست جمهوری کلینتون منافع مستمری برای خود در رابطه با هند تعریف نموده است. پس از آزمایش‌های اتمی هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸، دولت کلینتون در ابتدا تحریم‌هایی بر ضد دو کشور وضع نمود اما پس از مدتی این تحریم‌ها را کاهش داد. هم‌چنین در جریان بحران کارگیل در سال ۱۹۹۹ و زمانی که سازمان اطلاعات داخلی پاکستان برخی نیروهای خود را برای اولین بار به آن‌سوی خط کنترل کشمیر فرستاد، ایالات متحده به شکل جدی به حمایت از هند در مقابل پاکستان پرداخت. این حمایت‌گرایی از هند با روی کار آمدن جورج بوش تقویت شد (Cohen, 2002: 292).

با اوج‌گیری اقتصادی هند در این مقطع زمانی، این نگاه در بخش مهمی از بدنه سیاسی ایالات متحده تقویت شد که هند قابلیت تبدیل شدن به یک شریک مهم برای آمریکا را داراست. دولت بوش براساس این نگاه، از هند به عنوان یک «دولت مسئول»^۱ تمجید کرد و توافق هسته‌ای غیرنظامی با هند را در سال ۲۰۰۵ امضا کرد و توانست حمایت کنگره را نیز از این توافق‌نامه به‌دست آورد. این توافق‌نامه، اگرچه برای تقویت رژیم منع اشاعه و تضمین محدودیت هسته‌ای هند تنظیم شده بود، اساساً قصد داشت «یک عامل تحریک‌کننده اساسی» را از روابط ایالات متحده و هند حذف کند و زمینه ایجاد یک رابطه عمیق‌تر را فراهم کند (Lalawi & Byne, 2019: 43).

باراک اوباما نیز به مشارکت دولت بوش با هند ادامه داد و در نوامبر ۲۰۰۹ ایالات متحده و هند را به دلیل ارزش‌های دموکراتیک و بازار آزاد مشترک و هدف اصلی دستیابی به صلح و امنیت برای همه

¹.Responsible State

مردم در منطقه آسیا، «متحدان طبیعی»^۱ اعلام کرد (Burgess, 2019A: 86). باراک اوباما نیز در سفر نوامبر ۲۰۱۰ خود به هند ضمن خودداری از سفر به پاکستان، از حمایت کشورش برای دست یابی هند به کرسی دائم در شورای امنیت خبر داد. وی گفت: «می‌توانم امروز بگویم که در سال‌های پیشرو، من مشتاقانه منتظر اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد هستم که هند را به‌عنوان عضو دائمی در برگیرد» (پورپوریان و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸). در نوامبر ۲۰۱۱، دولت اوباما استراتژی «تعادل مجدد به آسیا»^۲ را از طریق مشارکت استراتژیک با هند به‌دلیل نگرانی از این‌که چین از استراتژی بزرگ «خیزش صلح‌آمیز»^۳ خود به یک استراتژی تهاجمی‌تر حرکت کند، مطرح کرد (Burgess, 2019B: 87).

توسعه روابط آمریکا با هند در دوره ترامپ و بایدن هم ادامه یافت. هر چند روابط هند و آمریکا در دوره ترامپ به خاطر رویکرد حمایت‌گرایی اقتصادی و انتقاد از تراز تجاری منفی آمریکا در برابر هند با چالش‌هایی مواجه گردید و منجر به افزایش عوارض گمرکی بر کالاهای هم‌دیگر و جنگ اقتصادی شد، اما ترامپ با حفظ رویکرد استراتژیک آمریکا در قبال هند، از همکاری‌های امنیتی و نظامی به عنوان اصل اساسی این مشارکت استراتژیک با هدف کنترل چین دفاع کرد.

با روی کار آمدن بایدن و با عدم تاکید بر کسری تجاری و بازگشت به قوانین سنتی‌تر، امید به گسترش روابط با هند بسیار بیشتر شد زیرا بایدن به‌عنوان دوست دیرینه هند شناخته می‌شود و در زمان معاونت ریاست‌جمهوری به مذاکره در مورد توافق هسته‌ای غیرنظامی بین ایالات متحده و هند کمک کرده بود. بیشتر ابتکارات در حال انجام آمریکا در رابطه با هند، میراث دولت اوباما است، یعنی زمانی که بایدن معاون رئیس‌جمهور بود. جو بایدن با رایزنی خود تصویب لایحه همکاری هسته‌ای غیرنظامی ایالات متحده و هند در مجلس ایالات متحده را امکان‌پذیر کرده بود که در آن زمان، رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا بود. بایدن با فاصله گرفتن از دکتربین «نخست آمریکا» که توسط ترامپ مطرح شده بود، به سیاست «بازیابی آمریکا» جهت نزدیکی مجدد به متحدین سنتی این کشور، روی آورد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که آیا می‌توان از نظریه وابستگی متقابل پیچیده برای تبیین روابط هند و ایالات متحده پس از جنگ سرد بویژه از زمان توافق هسته‌ای غیرنظامی (2005) با هند، استفاده کرد؟ فرضیه مقاله این است که با توجه به وجود سه ویژگی کانال‌های ارتباطی متعدد بین دو کشور، کاهش نقش نیروی نظامی و عدم وجود سلسله مراتب

¹. Natural allies

². Rebalance to Asia

³. peaceful rise

مشخص در روابط دو کشور، نظریه وابستگی متقابل پیچیده از قابلیت بیشتری برای توضیح روابط هند و آمریکا بعد از توافق اتمی سال ۲۰۰۵، برخوردار است.

پیشنه پژوهش

منابع متعددی به زبان فارسی و انگلیسی درباره روابط هند و آمریکا نگاشته شده است. به عنوان مثال بی ام مین^۱ در کتاب خود با عنوان «روابط هند و ایالات متحده در عصر تردید^۲» با بررسی روابط هند و ایالات متحده در دوران پس از جنگ جهانی دوم معتقد است که روابط دو کشور در طی زمان، رو به رشد بوده و این رابطه در دوران پس از توافق اتمی سال ۲۰۰۵، به حوزه‌ای فراتر همکاری حرکت نموده است. مین معتقد است که ایالات متحده و هند از این مقطع به مرحله‌ای فراتر از وابستگی متقابل رسیده‌اند با این وجود، از نظر وی این وابستگی متقابل نامتقارن است.

استفان بورگس (Burgess, 2019C) در مقاله‌ی خود با عنوان «تکامل روابط هند و آمریکا و استراتژی بزرگ هند»، تحول در روابط هند و ایالات متحده را نتیجه تغییر در موازنه قدرت بعد از جنگ سرد و ظهور چین به عنوان یک قدرت بزرگ در آسیا می داند.

نوذر شفیی و زهرا ماندنی در مقاله‌ای «معامله هسته ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها»، با بررسی قرارداد غیر نظامی هسته‌ای آمریکا و هند، به مباحث پیرامون این قرارداد بر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازند. از نظر نگارندگان، این قرارداد به ایجاد توازن استراتژیک در مقابل چین، تامین منافع ایالات متحده در جنوب آسیا و مبارزه با تروریسم و همین‌طور ایجاد فرصت‌های اقتصادی مانند گسترش حضور در بازار هند کمک شایانی می‌کند.

طیبه واعظی و حمیرا مشیرزاده در مقاله‌ی خود با عنوان «تاثیر ساختار نظام بین الملل بر گسترش روابط هند و آمریکا» اشاره دارند که دو کشور روابط پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته‌اند. با این حال، این روابط پس از پایان جنگ سرد و به‌ویژه در دوره‌ای جورج بوش، رو به گرمی گذاشت و به سطح روابط راهبردی ارتقا یافت. از نظر نویسندگان، ساختار نظام بین‌الملل تاثیر جدی در روابط دو جانبه هند و آمریکا نداشته و تنها به عنوان یک عامل فرعی بر روابط دو کشور تاثیر داشته است.

نقطه متمایز این مقاله با پژوهش‌های موجود، این است که در مقاله حاضر به‌طور خاص سعی شده است که روابط هند و ایالات متحده از زوایه وابستگی متقابل پیچیده بحث شود، موضوعی که در پژوهش‌های موجود به آن پرداخته نشده است.

¹ B. M. Main

² India-US Relations in the Age of Uncertainty

مبانی نظری: وابستگی متقابل پیچیده

پس از پایان جنگ سرد و از اوایل دهه ۱۹۹۰، جهان درگیر روابط چند بعدی با ماهیت پیچیده شده است که جوزف نای و رابرت کوهن از آن به عنوان «وابستگی متقابل پیچیده»^۱ نام بردند. اصطلاح «وابستگی متقابل پیچیده» نخست توسط رابرت کوهن و جوزف نای در قالب نقد نئولیبرالی بر دیدگاه رئالیسم مطرح شد. جوزف نای و رابرت کوهن با انتشار کتاب «قدرت و وابستگی متقابل: سیاست جهانی در گذار»^۲ در سال ۱۹۷۷ شاخص ترین اثر در حوزه نظریه وابستگی متقابل را ارائه دادند. از نظر کوهن و نای از دهه ۱۹۵۰ به این سو، عصر جدیدی در روابط بین‌المللی آغاز شده که در کنار روابط بین‌دولتی، کانال‌های جدید ارتباطی نیز ایجاد شده که نقش انحصاری و مرکزی دولت‌ها را کم‌رنگ‌تر از گذشته نموده است. هم‌چنین در این فراگرد، تمرکز سنتی بر سیاست قدرت به عنوان مولفه اصلی روابط بین‌المللی در حال منسوخ شدن است. کوهن و نای، رهیافت خود را با مطرح کردن چارچوب وابستگی متقابل پیچیده ارتقا بخشیدند. وابستگی متقابل پیچیده نظریه‌ای است که بر روش‌های پیچیده‌ای تاکید دارد که به‌عنوان نتیجه رشد روابط، کنشگران فراملی به شکل متقابل به‌هم وابسته شده، نسبت به اقدامات یکدیگر آسیب‌پذیر و به نیازهای هم حساس می‌شوند.

گنست وابستگی متقابل پیچیده را این‌گونه تعریف می‌کند: «مفهوم فراملی‌گرایی اقتصادی که در آن دولت‌ها تنها کنشگران نیستند و مسائل رفاه اجتماعی در کنار مسائل امنیتی در مرکز دستور کار جهانی قرار دارند و همکاری به مانند منازعه و ویژگی برجسته سیاست جهانی در نظر گرفته می‌شود» (Genest, 1996: 140). وابستگی متقابل پیچیده به‌دنبال تبیین این ایده است که در جهان امروزی، دولت‌ها و ثروت‌ها به طور جدایی‌ناپذیری به‌هم گره خورده‌اند و ارتباطات و وابستگی‌های متقابل مختلف و پیچیده بین دولت‌ها و جوامع در حال افزایش و استفاده از نیروی نظامی و موازنه قدرت در حال کاهش است، هرچند همچنان دارای اهمیت است. از نظر نای و کوهن، کاهش استفاده نیروی نظامی به عنوان یک ابزار سیاسی از یک سو و افزایش گستره تعاملات اقتصادی و سایر اشکال وابستگی متقابل، احتمال همکاری بین دولت‌ها را افزایش داده است و دولت‌ها بیش از آن‌که به مسائل نظامی و امنیتی بپردازند، به ارتقای تعامل اقتصادی و تجاری فکر می‌کنند. رشد بی‌نظیر شرکت‌های فراملیتی، مرزهای دولت را محو کرده است و مرکزیت دولت در امور بین‌الملل به‌عنوان مهم‌ترین مفروض واقع‌گرایی سنتی را به چالش کشیده است. هر چند در دنیای کنونی، خشونت و درگیری به‌طور کلی از بین نرفته‌اند، اما مسائلی غیر از امنیت هم‌چون روابط تجاری-پولی بین‌المللی و

¹ Complex Interdependence

² Power and Interdependence: World Politics in Transition

نگرانی‌های زیست‌محیطی اهمیت بیشتری یافته‌اند. امروزه، با ظهور بیماری همه‌گیر کرونا به‌عنوان مهم‌ترین موضوع جهانی اخیر که حوزه‌های سلامت، اقتصاد و امنیت کشورها را تحت تاثیر قرار داده است، مفهوم وابستگی متقابل پیچیده بیش از گذشته تقویت شده است (Kahn, 2020: 2).

کوهن استدلال می‌کند که در دوران پس از جنگ سرد، امنیت نظامی هنوز در بخش‌هایی از جهان که وابستگی متقابل پیچیده‌ای ندارند، نقش مسلط بازی می‌کند. در مقابل، وابستگی متقابل پیچیده بیشتر در مناطق دموکراتیک حاکم است. در این مناطق؛ انقلاب اطلاعاتی، الگوهای وابستگی متقابل پیچیده را از طریق افزایش تعداد کانال‌های ارتباطی در سیاست جهانی افزایش داده است. انقلاب اطلاعاتی تعداد کانال‌های ارتباطی بین جوامع را که یکی از سه بعد اصلی وابستگی متقابل پیچیده است، به‌شدت افزایش داده است. این بدان معناست که جهان چندمرکزی تغییرات عمده‌ای را در نگرانی‌های امنیتی جهان دولت‌محور ایجاد کرده است. با گرایش‌های غیرمتمرکز وابستگی متقابل پیچیده، اشتباه نخواهد بود که بگوییم این نوع وابستگی، با کارکردهای سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های چندملیتی، مرزهای نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها را فراتر از نگرانی‌های امنیتی نظامی، گسترش داده است. در واقع، با پررنگ‌تر شدن نقش بازیگران غیردولتی به‌ویژه با ایجاد کانال‌های غیررسمی از سوی آنها، قدرت دولت کاهش می‌یابد و قدرت بازیگران غیردولتی افزایش یافته است. در نهایت، در دوران پساجنگ سرد، با نهادینه شدن همکاری‌های جهانی به‌ویژه با بازیگری نهادهای غیردولتی همچون شرکت‌های چندملیتی، نگرانی‌های امنیتی-نظامی در سیاست جهانی کاهش پیدا کرده است. نهادها و سازمان‌های بین‌المللی با تعدیل نیروی آنا‌رشی، دولت‌ها را به سوی همکاری سوق می‌دهند (IŞIKSAL, 2004; 141).

کوهن و نای استدلال می‌کنند که وابستگی متقابل پیچیده پس از جنگ سرد از نظر کیفی با انواع قبلی و ساده‌تر وابستگی متقابل متفاوت است. پیش از این، روابط بین‌الملل توسط رهبران دولتی هدایت می‌شد که عمدتاً با رهبران دولت‌های دیگر سروکار داشتند و استفاده از نیروی نظامی نیز همیشه یک گزینه در مورد درگیری بین آن رهبران ملی بود. «سیاست علیا» امنیت و بقا بر «سیاست سفلی» اقتصاد و امور اجتماعی اولویت داشت (Stodcu, 2020: 3).

یکی از وجوه مهم «وابستگی متقابل پیچیده»، ترکیب دو دیدگاه متعارض است یعنی دو عنصر سیاست قدرت و لیبرالیسم اقتصادی را بر مبنای منطق هزینه-فایده ترکیب می‌کند. در جهان «وابستگی متقابل پیچیده» علیرغم همکاری اقتصادی فزاینده، امکان منازعه نظامی مسلحانه قابل چشم‌پوشی نیست و در این راستا کوهن و نای معتقدند که هنوز عنصر قدرت به‌طور کامل از بین

نرفته است. از نظر آنها در برخی از مناطق جهان که سطوح پایین تری از چندجانبه‌گرایی وجود دارد، هنوز قدرت نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است. حتی در دنیای وابستگی متقابل نیز، عنصر قدرت وجود دارد. با این تفاوت که قدرت در جهان چندجانبه‌گرا به مانند گذشته ناشی از تهدید نیروی نظامی نیست زیرا این تهدیدها امروزه به ندرت از اعتبار برخوردار است. در عوض، قدرت عمدتاً ناشی از عدم تقارن در وابستگی متقابل است (Keohane & Nye, 1977: 11). وابستگی متقابل نامتقارن زمانی به وجود می‌آید که کشورها به یکدیگر وابستگی دارند؛ با این تفاوت که میزان آن‌ها به یکدیگر یکسان نیست. گرچه در این وابستگی متقابل نامتقارن، بازیگران نسبت به یکدیگر آسیب‌پذیر و حساس هستند؛ میزان این حساسیت و آسیب‌پذیری، متقارن نیست، به عبارتی دیگر، هزینه‌ای که بازیگران از این ره‌گذر متحمل می‌شوند، بسته به میزان قدرت طرفین و وابستگی متقابل آنان متفاوت خواهد بود. در این جا، به معنایی که کوهن و نای هزینه را به کار می‌برند باید توجه کرد و منظور این است که میزان منابع مصرف شده دولت‌ها نسبت به سودی که به دست می‌آورند، متفاوت خواهد بود. منظور از حساسیت سنجش این موضوع است که تغییرات در یک کشور تا چه سرعتی منجر به تغییر در کشور دیگر (کشور وابسته) خواهد شد و آثار پرهزینه آن چقدر است (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۳۵). از نظر محققان، وابستگی متقابل پیچیده دارای سه ویژگی است:

الف) وجود کانال‌های ارتباطی متعدد: کانال‌های چندگانه‌ای جوامع را به هم مرتبط می‌سازد از جمله پیوندهای غیررسمی بین نخبگان حکومتی و هم‌چنین ترتیبات اداری خارجی رسمی، روابط غیررسمی در بین نخبگان غیرحکومتی (از طریق ارتباط مستقیم و ارتباط رسانه‌ای و مخابراتی) و سازمان‌های فراملی نظیر بانک‌ها و شرکت‌های چندملیتی. این کانال‌ها را می‌توان به‌عنوان کانال‌های بین‌دولتی، فراحکومتی و فراملی خلاصه نمود. در وابستگی متقابل پیچیده، شبکه‌های سیاست‌گذاری فرادولتی و فراملی نقش اساسی را در شکل دادن به رفتارهای جهانی بازیگران ایفا می‌کنند و برخلاف نظر واقع‌گرایان، نقش مستقل نه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در چنین شرایطی گسترش می‌یابد.

ب) عدم وجود سلسله مراتب مشخص در مسائل مختلف: دستور کار روابط بین‌دولتی شامل موارد متعددی می‌شود و سلسله مراتب آشکار و صریحی بین این دستور کارها وجود ندارد و عمدتاً عرضی هستند. نبود سلسله مراتب، به آن معناست که در میان حوزه‌های مختلف الزاماً حوزه امنیت نظامی دستور کار غالب نیست. این مسئله سبب می‌شود تا حوزه‌های موضوعی مختلف مانند محیط زیست، رفاه و تجارت نیز برای دولت‌ها بسیار حایز اهمیت باشند. درحالی‌که واقع‌گرایان سنتی موضوع امنیت ملی را بسیار مهم‌تر از سایر حوزه‌ها تلقی می‌کنند، در دنیای وابستگی متقابل پیچیده، دولت‌ها

مسائل را به شکل روشنی اولویت‌بندی نمی‌کنند و طیف وسیعی از حوزه‌ها از امنیتی گرفته تا تجاری، مالی، زیست محیطی، حقوق بشر، سیاست‌های ارتباطی و بهداشتی می‌تواند در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد (بارکین، ۱۳۹۳: ۳۱).

ج) کاهش نقش نیروهای نظامی: زمانی که وابستگی متقابل پیچیده حاکم است، احتمال استفاده از نیروی نظامی توسط دولت‌ها برای حل و فصل مشکلات بین‌المللی بسیار کمتر می‌شود و به جای آن، مذاکره و چانه‌زنی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار اجرای سیاست خارجی مورد توجه جدی دولت‌ها قرار می‌گیرد. هرچند ممکن است در روابط بین دولت‌ها با دولت‌های خارج از منطقه بویژه بلوک مخالف، استفاده از نیروی نظامی یکی از گزینه‌های احتمالی باشد، اما در درون یک بلوک منطقه‌ای که در شرایط وابستگی متقابل پیچیده قرار دارند، به‌کارگیری گزینه نظامی بی‌معنا خواهد بود. به‌عنوان مثال قابل تصور نیست که کشورهای عضو اتحادیه اروپا برای حل و فصل چالش‌های اقتصادی و حتی امنیتی خود از گزینه نظامی استفاده نمایند؛ عمق وابستگی متقابل این کشورها به حدی است که حتی تهدید به استفاده از نیروی نظامی نیز قابل تصور نیست (Main, 2016, A: 76). لذا با توجه به این مولفه‌ها به نظر می‌رسد ایالات متحده و هند حرکت خود به سمت وابستگی متقابل پیچیده را در هزاره جدید آغاز نموده‌اند.

هند و آمریکا: از همکاری تا وابستگی متقابل

تحول روابط هند و ایالات متحده و استراتژی بزرگ هند در دو دهه گذشته نتیجه تغییرات در موازنه قدرت و تأیید واقع‌گرایی ساختاری است. پایان جنگ سرد و ظهور دوره تک قطبی، راه را برای ایالات متحده برای تعامل بیشتر با هند برای دور شدن از مسکو و حرکت به سمت مشارکت با واشنگتن باز کرد (Burgess, 2019D: 79). هند و آمریکا دو دوره کاملاً متفاوت در روابط خود تجربه کرده‌اند و روند این رابطه از قرار گرفتن در دو بلوک متفاوت، طی سال‌های ۱۹۴۷-۲۰۰۰، تا توسعه سریع روابط از سال ۲۰۰۰ تاکنون در نوسان بوده است. روابط این دو کشور از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تا پایان جنگ سرد از پویایی خاصی برخوردار نبود. در این دوره، هند نخست با درپیش گرفتن سیاست «عدم تعهد» و در مراحل بعد با نزدیکی به شوروی، در پی توسعه روابط با آمریکا نبود. در این دوره دو کشور به لحاظ مناسبات استراتژیک نگاه متفاوتی به جهان داشتند و استراتژی اقتصادی آنها هم متفاوت بود (سجادپور و پهلوانی، ۱۳۹۱: ۹).

هند در دوران جنگ سرد، علی‌رغم درپیش گرفتن سیاست عدم تعهد، روابط نزدیکی با شوروی داشت. دوستی هند با اتحاد جماهیر شوروی حاکی از ایده استقلال عمل این کشور برای تعقیب منافع ملی خویش بود؛ آمریکا هم در دوران جنگ سرد با افزایش قدرت نظامی خود در صدد بسط نفوذ خود در مناطق جهان از جمله جنوب آسیا بود؛ تا از نفوذ کمونیسم جلوگیری نماید (ماندنی، ۱۳۸۹: ۱). بعد از فروپاشی شوروی و در نتیجه دگرگونی نظام بین الملل، دو کشور در محاسبات استراتژیک یک‌دیگر نقش روز افزونی پیدا کردند. براین اساس، روابط این دو قدرت پس از جنگ سرد و به خصوص از اوایل هزاره جدید گسترش وجهی یافته است. البته به جز هنگامی که هند در سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش هسته‌ای زد و روابط دو کشور تیره شد (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۴: ۵).

به‌طور کلی دو رویکرد فکری در چارچوب روابط هند با ایالات متحده وجود دارد. رویکرد اول که دارای نگاه سنتی است، معتقد است تناسب استراتژیک کمتری بر حسب «اهداف سازگار» و «موقعیت متناسب» بین ایالات متحده و هند وجود دارد. این دیدگاه که به شکل گسترده‌ای در بین احزاب چپ در هند وجود دارد توسط رسانه‌های نزدیک به آنها و هم‌چنین نمایندگان آنها در پارلمان مورد حمایت قرار می‌گیرد. در این راستا، حزب چپ هند حمایت خود از ائتلاف پیشرفت متحد^۱ به رهبری مان موهان سینگ بر سر امضای موافقت‌نامه هسته‌ای را پس گرفت؛ زیرا معتقد بودند که هند با این توافق استقلال و حاکمیت هسته‌ای خود را مصالحه نموده است. رویکرد دوم که عمدتاً از سوی نخبگان دولتی در قدرت از جمله محافل سیاسی، امنیتی و دفاعی حمایت می‌شود، معتقد است که تجانس در ادراکات امنیتی، سیاسی و اقتصادی بین دو کشور، به‌طور طبیعی زمینه توسعه روابط در چارچوب منافع ملی را فراهم می‌آورد. برای مثال در مقوله مبارزه با تروریسم و متوازن کردن چین، حفاظت از آزادی کشتیرانی در اقیانوس هند و مبارزه با دزدان دریایی تجانس زیادی وجود دارد. هم‌چنین آنها معتقدند که امنیت ملی بلندمدت هند تا حد زیادی به روابط قوی و مستحکم با ایالات متحده وابسته است (Main, 2016.A: 49).

تغییر در فضای سیاسی هند با ظهور نگرش‌های جدید در دستگاه سیاست خارجی آمریکا همراه بود. از این‌رو، اگرچه بیل کلینتون اعتقاد داشت که چین همکار استراتژیک آمریکا در دوران بعد از جنگ سرد است اما کاملاً به این مسئله واقف بود که رقابت گسترده با این کشور، حداقل در قاره آسیا اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا است که هندوستان نقش مهم‌تری را از نظر تصمیم‌گیرندگان آمریکایی در معادلات بین‌المللی این کشور به‌دست آورد. با توجه به این نگاه بود که به دنبال پیشروی

^۱ . United Progressive Alliance

نیروهای پاکستانی ورای خط کنترل و تصرف بلندی‌های کارگیل در منطقه تحت نفوذ هندوستان در زمستان ۱۹۹۸، رهبران آمریکا دولت نواز شریف را به شدت تحت فشار قرار دادند که از منطقه عقب‌نشینی کند (دهشیار، ۱۳۸۲: ۴۰۹).

با شروع هزاره سوم، شاهد تعدیل سیاست‌های ایالات متحده در قبال هند هستیم و تحریم‌هایی را که در اواخر دهه نود، به دلیل آزمایش هسته‌ای برای این کشور در نظر گرفته بود را برچید و از این جهت سیاست خارجی آمریکا از اتحاد با پاکستان در دوره جنگ سرد به سمت اتحاد با هند چرخش پیدا کرد. دولت بوش در ژانویه ۲۰۰۱، سیاست بیل کلینتون در ارتباط با آسیای جنوبی را با تأکید ویژه بر روابط آمریکا و هند ادامه داد. این رابطه تا سطح یک رابطه استراتژیک در دوره ریاست جمهوری او پیش رفت (ابوالفتحی نژاد، ۱۳۹۱: ۳)؛ به طوری که در زمان جورج بوش انعقاد پیمان هسته‌ای غیرنظامی به نقطه عطف بسیار مهمی در تاریخ روابط دو کشور تبدیل شد.

گذار روابط هند و ایالات متحده به وابستگی متقابل پیچیده

با شروع دوره ریاست جمهوری جورج بوش، هند به یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شد. با انعقاد پیمان هسته‌ای غیر نظامی در سال ۲۰۰۶، وابستگی متقابل بین آمریکا و هند که از زمان کلینتون آغاز شده بود، به تدریج به سمت وابستگی متقابل پیچیده حرکت نمود. این گذار براساس مولفه‌های زیر قابل سنجش است:

۱. عدم وجود سلسله مراتب در روابط هند و ایالات متحده

همان‌گونه که اشاره گردید؛ یکی از مولفه‌های نیل به وابستگی متقابل پیچیده، عدم وجود سلسله‌مراتب بین حوزه‌های مختلف در روابط بین دو کشور است. سطح روابط هند و ایالات متحده در دو دهه اخیر تقریباً در همه حوزه‌ها رشد قابل‌توجهی یافته و شامل تمام همکاری‌های اقتصادی، تجاری، نظامی و امنیتی می‌شود.

۱-۱) همکاری‌های تجاری و اقتصادی: ایالات متحده دومین منبع بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هند، دومین شریک تجاری بزرگ پس از اتحادیه اروپا و بزرگ‌ترین مقصد صادرات خدمات هند است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ارتباطی بین هند و ایالات متحده، حوزه همکاری‌های تجاری و اقتصادی است. بر اساس پیش‌بینی بانک جهانی، نرخ رشد اقتصادی هند در سال ۲۰۲۲ به ۸/۳ درصد خواهد رسید (India Express, 2021). هند به‌عنوان دومین

اقتصاد آسیا که در سال ۲۰۲۱ یکی از سریع ترین نرخ رشد اقتصادی جهان را تجربه کرد، بسیار مورد نظر سیاست‌گذاران در ایالات متحده است.

افزایش حجم تجارت بین هند و آمریکا در دو دهه اخیر، بازتابی از درهم تنیدگی اقتصادی بین دو کشور است. حجم تجارت کالا و خدمات بین ایالات متحده و هند از حدود ۹۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به حدود ۱۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش پیدا کرد که از این میزان، سهم صادرات کالای هند به آمریکا ۵۳ و خدمات ۳۰ میلیارد دلار بوده و سهم صادرات کالای آمریکا به هند حدود ۳۶ و خدمات حدود ۲۴ میلیارد دلار بوده است (صادرات کالای ایالات متحده به هند از سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۰۸ درصد و خدمات بیش از ۱۴۴ درصد افزایش داشته است و صادرات کالای هند به آمریکا از سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۷۰ درصد و خدمات نیز بیش از ۱۴۳ درصد افزایش داشته است) پیش‌بینی شده است که حجم تجارت متقابل تا سال ۲۰۲۵ به حدود ۳۰۰ میلیارد دلار برسد که رقم قابل توجهی خواهد بود (Phdcci, 2020,A: 11).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دو کشور نیز در حال رشد بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در هند از حدود ۲.۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به حدود ۴۱.۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش پیدا کرده است. از نظر سرمایه‌گذاری، ایالات متحده پنجمین سرمایه‌گذار خارجی بزرگ در هند محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هند در آمریکا از حدود ۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به حدود ۹/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت و سپس با روند کاهشی به ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ تنزل پیدا کرد (Phdcci, 2020,B: 11). در سال ۲۰۲۰، تجارت کالاها و خدمات ایالات متحده با هند ۲٪ از کل تجارت جهانی ایالات متحده را تشکیل می‌دهد و تجارت کالا و خدمات هند با ایالات متحده نیز حدود ۱۲ درصد از کل تجارت جهانی این کشور را تشکیل می‌داد. برای هند، ایالات متحده بزرگ‌ترین مقصد صادرات کالا و سومین تامین‌کننده بزرگ واردات کالا (پس از چین و اتحادیه اروپا) به شمار می‌رود (Akhta and Kronstadt, 2022:1). در سال ۲۰۲۱ هند به دومین شریک تجاری آمریکا، پس از ۲ سال تبدیل شد.

در سال ۲۰۲۰ گزارشی توسط کنفدراسیون صنایع هند^۱ با عنوان «ریشه‌های هند، خاک آمریکا»^۲ درباره ارزیابی سرمایه‌گذاری شرکت‌های هندی در آمریکا منتشر گردید که نشان می‌دهد مشارکت اقتصادی بسیار قوی بین هند و ایالات متحده برقرار است و شرکت‌های هندی نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار در ایالت‌های مختلف آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و بیش از ۱۲۵ هزار شغل در این کشور ایجاد

^۱ Confederation of Indian Industry (CII)

^۲ Indian Roots, American Soil

کرده‌اند. این شرکت‌ها در طیف گسترده‌ای از بخش‌ها فعالیت دارند که مهم‌ترین آن‌ها بخش فن‌آوری اطلاعات است. علوم زیستی؛ داروسازی و مراقبت‌های بهداشتی؛ معدن؛ خدمات ملی؛ خودرو؛ کشاورزی؛ گردشگری، حوزه‌های دیگر سرمایه‌گذاری شرکت‌های هندی در آمریکا را تشکیل می‌دهد. شرکت‌های هندی در همه ۵۰ ایالت آمریکا حضور فعال دارند اما در پنج ایالت تگزاس، نیوجرسی، نیویورک، فلوریدا و ماساچوست به ترتیب بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها را انجام داده‌اند (Confederation of Indian Industry, 2020: 5).

بسیاری از شرکت‌های برتر فن‌آوری اطلاعات در هند، آمریکایی هستند. شرکت‌های خرده‌فروشی هم‌چون والمارت و آمازون توسعه قابل توجهی در هند پیدا کرده‌اند (TMF Group, 2018, A). موش آگی، رئیس انجمن راهبردی و مشارکت آمریکا و هند^۱ گفت که حدود ۲۰۰ شرکت آمریکایی هم‌چون آمازون، سیتی بانک، کوکاکولا، فورد هند، گوگل، امریکن اکسپرس، پیسیکو و آی‌بی‌ام وجود دارد که با سرمایه‌گذاری در هند به دنبال جایگزینی برای چین هستند (One India, 2019).

بهبود شاخص کسب و کار در هند، نیروی کار ماهر، انگلیسی زبان و ارزان قیمت و بازار بالقوه یک میلیارد نفری، از مهم‌ترین دلایل حضور شرکت‌های آمریکایی در این کشور است (TMF Group, 2018, B). در گزارش بانک جهانی که در سال ۲۰۲۰ منتشر شد، هند از میان ۱۹۰ کشور، رتبه ۶۳ را در «سهولت انجام کسب‌وکار»^۲ به خود اختصاص داد و برای سومین سال متوالی در فهرست ۱۰ اقتصاد بهبود یافته جهان قرار گرفته است. این درحالی است که در سال ۲۰۱۶ در رتبه ۱۳۰ قرار داشت (Santander Trade, 2022).

۱-۲) همکاری هسته‌ای غیرنظامی: آمریکا و هند همکاری هسته‌ای خود را از نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ با ساخت نیروگاه هسته‌ای تاراپور آغاز کردند و در این راستا، تولید آب سنگین در راکتور سیروس که از کانادا خریداری شده بود، امکان‌پذیر شد. همچنین دانشمندان هسته هند اجازه یافتند در آزمایشگاه هسته‌ای آمریکا به تحقیق بپردازند. هند در هنگام تشکیل معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای موسوم به ان. پی. تی.^۳ در سال ۱۹۶۸ از پیوستن به آن امتناع کرد و در سال ۱۹۷۴ با اقداماتی صلح‌آمیز بودن اهداف اتمی خود را به خطر انداخت. این امر باعث قطع همکاری اتمی آمریکا و هند شد. هند که مدعی بود اهداف اتمی صلح‌آمیز دارد با آزمایش بمب اتم خود، توجه جهانیان را به خود جلب

¹. The US-India Strategic and Partnership Forum's (USISPF)

². Ease of Doing Business

³. The Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons

کرد. در مارس ۱۹۹۸، هند چند آزمایش جداگانه با تسلیحات هسته‌ای انجام داد که این آزمایش بلافاصله با آزمایش بمب‌های هسته‌ای پاکستان که رقیب سنتی هند در منطقه جنوب آسیا به شمار می‌آید، همراه شد. بدین ترتیب، دست‌یابی پاکستان به تسلیحات اتمی باعث تشدید مسابقه تسلیحاتی در منطقه جنوب آسیا شد، بنابراین کنگره آمریکا سال ۱۹۷۸ قانون منع صدور فن‌آوری هسته‌ای به کشورهایی که به تولید سلاح اتمی اقدام کرده‌اند را تصویب کرد. (مرادی، ۱۳۹۱: ۶).

با تغییر در شرایط داخلی (پیروزی جمهوری خواهان) و بین‌المللی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر از یک سو و با تغییر در رویکرد داخلی و سیاست خارجی هند و تلاش‌های این کشور برای نزدیک شدن به اصول لیبرال دموکراسی غربی از سوی دیگر، سیاست خارجی آمریکا در قبال هند نیز با یک چرخش استراتژیک، به سمت هم‌گرایی بیشتر با این کشور سوق داده شد و بعد از امضای توافق‌نامه تاریخی هسته‌ای بین دو کشور در سال ۲۰۰۵، دولت بوش متقاعد شد تا تحریم‌های اعمال شده در قبال برنامه‌های هسته‌ای هند را لغو کند (آقایی و عقدايي، ۱۳۹۳: ۸) و حتی در بیانیه‌ای مشترک با هند، اعلام کرد که هند به عنوان دولتی مسئول و دارای تکنولوژی هسته‌ای پیشرفته باید از منافع و مزایای مشابه با دیگر دولت‌های مسئول و دارای تکنولوژی هسته‌ای برخوردار شود (حسینی، اصغری ثانی و برازجانی، ۲۲: ۱۳۹۲).

بعد از سه سال مذاکره، یعنی در سال ۲۰۰۸، هند و آمریکا «قانون تصویب همکاری هسته‌ای و تقویت عدم اشاعه هسته‌ای»^۱ را ذیل بخش ۱۲۳ قانون انرژی اتمی آمریکا^۲ که به «موافقت‌نامه ۱۲۳» موسوم است، امضا کردند. چارچوب این توافق‌نامه، همان بیانیه مشترک ۱۸ جولای ۲۰۰۵، بین نخست‌وزیر وقت هند، مان‌موهان سینگ و رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، جورج دبلیو بوش بود. بخشی از مهم‌ترین تعهدات هند و آمریکا در توافق‌نامه هسته‌ای ۲۰۰۸ عبارتند از:

بر اساس این توافق‌نامه، هند متعهد شد که یک پروتکل الحاقی با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای امضا کند که اجازه بازرسی‌های سرزده بیشتر آژانس از تأسیسات غیرنظامی خود را می‌دهد. هند ملزم شد امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای خود را تقویت و از گسترش فن‌آوری غنی‌سازی و بازفرآوری به کشورهایی که فاقد آن هستند، جلوگیری کند (Bajoria and Pan, 2010). هند ملزم به جداسازی تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیر نظامی خود شد. این توافق‌نامه هند را متعهد کرد که تنها تأسیسات

^۱ Nuclear Cooperation Approval and Nonproliferation Enhancement Act

^۲ بخش ۱۲۳ قانون انرژی اتمی ایالات متحده به طور کلی انعقاد یک توافق‌نامه همکاری صلح آمیز هسته‌ای را برای انتقال

قابل توجه مواد یا تجهیزات هسته‌ای از ایالات متحده الزامی می‌کند.

^۳ 123 agreements

هسته‌ای غیرنظامی را تحت پادمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد و در عین حال برنامه نظامی خود را از چنین ترتیباتی مستثنی کند. در مقابل دسترسی هند به انرژی صلح آمیز هسته‌ای تضمین شد و به این کشور اجازه داده شد که سوخت و فن‌آوری هسته‌ای از ایالات متحده خریداری کند. ایالات متحده موافقت کرد که تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی برای مقاصد صلح‌آمیز را در اختیار هند قرار دهد. همچنین واشنگتن معافیت‌های ویژه هند را در دستورالعمل‌های گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای^۱ تضمین کرد و این گروه را متقاعد کرد که محدودیت‌های طولانی مدت در تجارت هسته‌ای با هند را کاهش دهند. البته این توافق نامه هسته‌ای هند را ملزم نمی‌کند که برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را کنار بگذارد، اما آزمایش‌های هسته‌ای بیشتر توسط هند طبق قوانین آمریکا منجر به توقف تجارت هسته‌ای با هند خواهد شد (Hosur, 2010: 435-36). موضوع همکاری هسته‌ای غیرنظامی یکی از حوزه‌های بسیار حساس است که ورود به چنین همکاری بیانگر کم‌رنگ شدن سلسله‌مراتب متعارف در روابط ایالات متحده و هند است.

۱-۳) روابط امنیتی و نظامی: روابط نظامی هند و ایالات متحده را می‌توان در سفر ژنرال کلود ام. کیکلایتر به دهلی نو در سال ۱۹۹۱ جستجو کرد. او همکاری نظامی با هند را پیشنهاد کرد و هند نیز بلافاصله با امضای توافق‌نامه‌ای در مورد تماس‌های ارتش با ارتش به پیشنهادهای او پاسخ داد. در سال ۱۹۹۵، وزیر دفاع ویلیام پری و همتای هندی او، اس. بی چاوان توافق‌نامه‌ای را امضا کردند که به‌عنوان صورت‌جلسه توافق شده در مورد روابط دفاعی شناخته می‌شود، که هدف آن گسترش حوزه روابط دوجانبه به تمرینات مشترک و امکان انتقال فناوری بود. با این حال، این همکاری‌ها زمانی که هند آزمایشات تسلیحات هسته‌ای را در ماه مه ۱۹۹۸ انجام داد، به‌طور موقت به حالت تعلیق درآمد.

پس از دهه‌ها بحث سیاست خارجی درباره «آسیا-اقیانوس آرام^۲»، دولت ایالات متحده در سال‌های اخیر اقیانوس هند را به‌طور کامل در چشم‌انداز استراتژیک خود گنجانده و اکنون از اصطلاح «هند-آرام^۳» استفاده می‌کند که جایگاه هند را در سیاست خارجی آمریکا ارتقا داده است. اوپاما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، هند را به‌عنوان «شریک دفاعی اصلی»^۴ ایالات متحده در سفر نخست‌وزیر مودی در سال ۲۰۱۶ به واشنگتن، به رسمیت شناخت. این یک نام منحصر به فرد است که هدف از آن افزایش تجارت دفاعی است و به اشتراک‌گذاری فن‌آوری

^۱ Nuclear Suppliers Group (NSG)

^۲ Asia-Pacific

^۳ Indo-Pacific

^۴ Major Defense Partner (MDP).

دفاعی با هند در سطحی متناسب با نزدیک‌ترین متحدان و شرکای ایالات متحده است. در زمان ترامپ در سال ۲۰۱۸، هند به وضعیت مجوز تجارت استراتژیک سطح یک^۱ ارتقا یافت. این وضعیت به هند اجازه می‌دهد تا دسترسی بدون مجوز به طیف گسترده‌ای از فن‌آوری‌های نظامی و استفاده دوگانه را داشته باشد (Kronstadt and et al, 2021:9).

آمریکا پنج قرارداد مهم نظامی با هند امضا کرده است. چنین قراردادهایی را معمولاً ایالات متحده آمریکا با متحدان دفاعی خود برای تسهیل همکاری نظامی امضا می‌کند. زمینه فوری این قراردادها، تهدید مشترک یعنی یک چین تهاجمی و توسعه طلب است که عبارتند از:

۱. *موافقت‌نامه امنیت عمومی اطلاعات نظامی*^۲؛ این توافق‌نامه در سال ۲۰۰۲ به منظور تسهیل

تبادل اطلاعات نظامی بین هند و ایالات متحده امضا شد.

۲. *تفاهم‌نامه تبادل لجستیک*^۳؛ این تفاهم‌نامه در سال ۲۰۱۶ امضا شد که بر اساس آن، هند و ایالات متحده می‌توانند از پایگاه‌های نظامی یکدیگر برای انجام تعمیرات و تامین مجدد استفاده کنند.

۳. *توافق‌نامه سازگاری و امنیت ارتباطات*^۴؛ این توافق‌نامه در سال ۲۰۱۸ برای به اشتراک گذاشتن و ایمنی تبادل ارتباطات بین ۲ کشور در طول تمرینات و عملیات آموزشی است (Philiph, 2020: 2).

۴. *توافق‌نامه مبادله و همکاری پایه*^۵؛ این توافق در سال ۲۰۲۰ امضا شد که طبق آن، به دهلی‌نو اجازه دسترسی به داده‌های ماهواره‌ای آمریکا داده می‌شود که برای شلیک موشک‌ها، پهپادهای مسلح و سایر اهداف دقیق، بسیار حیاتی است. ایالات متحده معمولاً چنین قراردادهایی را با متحدان نزدیک خود امضا می‌کند که امکان تبادل اطلاعات حساس و طبقه‌بندی شده را فراهم می‌کند (Choudhury, 2020).

^۱. Strategic Trade Authorization tier 1 status

^۲. *General Security of Military Information Agreement (GSOMIA)*

^۳. *Logistics Exchange Memorandum of Agreement (LEMOA)*

^۴. *Communications Compatibility and Security Agreement (COMCASA)*

^۵. *Basic Exchange and Cooperation Agreement (BECA)*

^۶. همانطور که تاکسی رادیویی (یا GPS موجود در تلفن هوشمند) در مسیر رسیدن سریع به مقصد کمک می‌کند، BECA نیز سیستم‌های نظامی هند را به یک GPS با کیفیت بالا برای هدایت هوشمند موشک‌ها مجهز می‌کند تا به طور دقیق دشمن را مورد هدف قرار دهد (Roy, 2020).

۵. توافق نامه «آگاهی از موقعیت فضایی»^۱: این توافق در سال ۲۰۲۲ بین فرماندهی فضایی ایالات متحده و هند، برای «اشتراک گذاری اطلاعات فضایی» امضا شد. این قرارداد برای برای پرتاب ماهواره ها و اطمینان از این که ماهواره های عملیاتی از زباله های فضایی آسیب نمی بینند و هشدارهای به موقع را دریافت می کنند، مهم است (India express, 12/04/2022).

دولت بایدن نیز با وجودی که طراح استراتژی هند-اقیانوس آرام نبوده است اما به سرعت وارد گفت و گوی امنیتی چهار جانبه با هند، ژاپن و استرالیا شد. این سازوکار گفت و گوی امنیتی چهار گانه موسوم به کواد^۲، سازوکاری بود که اولین بار در سال ۲۰۰۷ در دوران ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش طراحی شد و در سال ۲۰۱۷ احیا شد (Kronstadt and et al. 2021: 6). انگیزه اصلی پشت سازوکار کواد به عنوان یک گروه استراتژیک، کاهش سلطه چین و عاری بودن مسیرهای دریایی استراتژیک در اقیانوس هند و اقیانوس آرام از هر گونه نفوذ نظامی یا سیاسی چین است. در واقع، کواد ابتکار جدیدی برای همکاری های مستمر بین اعضا در حوزه های دریایی، فضایی، تغییرات آب و هوایی، سلامت و امنیت سایبری است. اهمیت کواد برای هند این است که این گروه به طور استراتژیک با رشد اقتصادی و نظامی چین مقابله می کند. در جریان اجلاس کواد توکیو که در ۲۴ می ۲۰۲۲ تشکیل شد، کشورهای عضو متعهد شدند که با چالش های تضمین نظم دریایی، از جمله در دریای چین شرقی و جنوبی مقابله کنند و به شدت با هر گونه اقدام قهری، تحریک آمیز یا یک جانبه که به دنبال تغییر وضعیت موجود باشد، مخالفت نمایند. به همین خاطر، چین کواد را یک ناتوی آسیایی^۳ می نامد و آن را بخشی از یک استراتژی بزرگتر برای محاصره چین تلقی می کند که هدف آن به طور خاص، محدود کردن چین است. چین، این گروه را به ایجاد اختلاف آشکار بین قدرت های منطقه ای در آسیا متهم کرد (Deshpande, 02/11/2021). هر یک از کشورهای عضو دارای یکسری مسائل دوجانبه از جمله اختلافات ارضی، تنش های ریشه دار تاریخی و روابط دیپلماتیک تیره با چین هستند. اما انگیزه اصلی برای تداوم و ترویج آن، ملاحظات سیاسی واقعی برای محدود کردن پکن است. این موضوع در سخنرانی سال ۲۰۱۹ توسط وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده، مایکل پمپئو، تأیید شد که نقش این گروه را این گونه توصیف کرد: «تضمین این که چین فقط جایگاه مناسب خود را در جهان حفظ می کند» کواد اکنون متعهد شده است که بیش از ۵۰ میلیارد دلار کمک زیرساختی و سرمایه گذاری در هند و اقیانوس آرام را طی پنج سال آینده برای مقابله با نفوذ اقتصادی و امنیتی چین در این

1. Space Situational Awareness

2. Quadrilateral Security Dialogue

3. Asian NATO

منطقه گسترش دهد (The Conversation, 01/06/2022). به‌طور کلی، دولت آمریکا تعهد به ایجاد قابلیت‌های دفاعی هند به عنوان بخشی از ایجاد توازن بزرگتر در منطقه آسیا و اقیانوسیه را در سیاست خارجی خود نهادینه کرده است. هم‌چنان‌که لئون پانتا وزیر دفاع سابق آمریکا اعلام کرد: «ایالات متحده قاطعانه متعهد به ارائه بهترین فن‌آوری دفاعی ممکن به هند است» (Tellis, 2012: 94).

با افزایش همکاری‌های دفاعی دوجانبه، روابط دفاعی بین هند و آمریکا به سطح قرارداد دفاعی ارتقا پیدا کرد. در این راستا، قرارداد دفاعی ۱۰ سال در سال ۲۰۰۵ توسط دو کشور به‌منظور ارتقای سطح همکاری‌های دفاعی امضا شد و در سال ۲۰۱۵ برای ۱۰ سال دیگر تمدید شد. در چارچوب همین موافقت‌نامه، ناو هواپیما بر آمریکا کیتی هاوک^۱ با ناو هواپیما بر هند ای.ان. اس ویرات آدر خلیج بنگال مانور دریایی مشترک برگزار کردند. جالب اینجاست کیتی هاوک همان ناوی بود که آمریکا در جریان جنگ هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ به خلیج بنگال اعزام کرده بود. در مورد امنیت دریایی، هند و ایالات متحده منافع مشترکی در تضمین امنیت خطوط دریایی اقیانوس هند و همچنین نقاط ترانزیت مانند تنگه مالاکا دارند (Main, 2016C: 46).

علاوه بر همکاری‌های امنیتی، تجارت دفاعی نیز به‌عنوان یکی از جنبه‌های اصلی همکاری‌های نظامی هند و آمریکا، حایز اهمیت است. هند اکنون یک خریدار عمده در بازار جهانی تسلیحات و یک مشتری سودآور برای شرکت‌های آمریکایی است. دو کشور از سال ۲۰۰۸ قراردادهای دفاعی به ارزش مجموعاً حداقل ۲۰ میلیارد دلار امضا کرده‌اند. دهلی نو به دنبال تبدیل ارتش خود به ارتشی با فن‌آوری پیشرفته و دسترسی جهانی است و طبق برخی گزارش‌ها، این کشور تا ۱۰۰ میلیارد دلار برای خریدهای جدید در دهه آینده برنامه‌ریزی کرده است (Kronstadt & et al, 2021: 10). اگرچه تجارت دفاعی آمریکا و هند رو به افزایش بوده است، هند هم‌چنان به شدت به تسلیحات روسی متکی است و تاکنون میلیاردها دلار برای خرید انواع تسلیحات از روسیه همچون جت‌های نظامی، ناو هواپیما بر و اخیراً اس ۴۰۰، هزینه کرده است (Lalwani & Byne, 2019: 46). همکاری گسترده هند و ایالات متحده در حوزه‌های موضوعی مختلف بیانگر این مسئله است که سلسله مراتب موضوعی در روابط هند و ایالات متحده از بین رفته است.

1. Kitty Hawk

2. INS Viraat

۲. گسترش کانال‌های ارتباطی متعدد بین هند و ایالات متحده

یکی از مؤلفه‌های اصلی حرکت به سمت وابستگی متقابل پیچیده وجود کانال‌های ارتباطی متعدد است. این بدان معناست که رابطه تنها منحصر به روابط بین دولت‌ها نیست و روابط نهادهای غیردولتی و حتی در سطح پیچیده‌تر روابط میان اجتماعات طرفین را شامل می‌شود. این روابط در بین هند و ایالات متحده به شکل قابل توجهی بسط یافته و به درون جوامع هم رسیده است. مهم‌ترین ارتباطی غیر دولتی، کانال تعاملی از طریق جامعه هندی-آمریکایی است. در حقیقت، تعداد قابل توجه جامعه هندی-آمریکایی بیانگر، درهم‌تنیدگی جدی این جوامع است. بیش از سه میلیون آمریکایی هندی تبار وجود دارد که به‌طور مداوم این جمعیت در آمریکا رو به افزایش است. هم‌چنان‌که آرتور روبینف^۱ اشاره دارد: «مهارت، آموزش، درآمد و تعداد هندی‌ها در آمریکا رو به افزایش بوده است. آشکار است که جامعه هندی-آمریکایی در آمریکا بسیار موفق و کامیاب بوده و از پزشکی گرفته تا صنعت و فن‌آوری جایگاه مهمی در این کشور داشته که سبب ارائه تصویری مناسب از هند شده است. جامعه هندی-آمریکایی نقش مهمی در ادراکات روابط بین دو کشور داشته که سبب محدود شدن منازعه و کاهش اختلافات شده است» (Main, 2016D: 41).

هم‌چنین مهاجران هندی در آمریکا به شکل قابل توجهی در ساختارهای سیاسی آمریکا حضور دارند. امروزه ده‌ها نفر از آمریکایی-هندی‌ها در دولت و در وزارتخانه‌های مهم خزانه‌داری، تجارت، خارجه و دفاع حضور دارند. در ارتباط با مهاجران هندی، باراک اوباما در ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۳ بیان کرد: «هندی-آمریکایی‌ها کمک زیادی در حوزه تجارت، علم و دانشگاه به هند کرده‌اند و یکی از عوامل نزدیکی جامعه آمریکا با هند هستند و من فکر می‌کنم این مسئله نشان می‌دهد که چگونه یک جمعیت خارجی می‌تواند سبب نزدیکی مردم دو کشور شود» (Main, 2016,E: 70).

مهاجران هندی در آمریکا از طریق ایجاد و توسعه نهادهای مختلف سیاسی، مذهبی و حرفه‌ای در جهت تقویت هویت هندی در میان اعضای مهاجران هندی برآمده و از این طریق تلاش کرده است به نحوی بر تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی مقامات آمریکا تاثیرگذار باشد که تامین‌کننده منافع هندی‌تباران و سرزمین مادری آن‌ها یعنی هند باشد. علاوه بر این، مهاجران هندی تلاش کرده است با استفاده از روش‌های مختلف مستقیم و غیرمستقیم در منازعه قدرت در جامعه آمریکا درگیر شود و ضمن کسب جایگاه و موقعیت در ساختار قدرت آمریکا و تبدیل کردن خود از اقلیت تحت تاثیر به اقلیت اثرگذار از طریق لابی‌کردن، بر تصمیم‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی آمریکا اثرگذار باشد.

^۱. Arthur Rubinoff

همچنین مهاجران هندی در آمریکا برای به حداکثر رساندن موفقیت خود و به‌عنوان آخرین گام در مسیر سیاسی شدن، در تلاش بوده است با ارتباط اعضای مجلس نمایندگان و کنگره آمریکا از طریق کمیته انتخاباتی هند و هندی‌تباران در آمریکا، حکومت هند را در منازعه خود برای قدرت درگیر کند. بدین ترتیب، مهاجران هندی ضمن نقش‌آفرینی در عرصه سیاست داخلی هند توانسته است در عرصه روابط دوجانبه هند و آمریکا نیز ایفای نقش کند که مهم‌ترین جلوه عینی این اثرگذاری را می‌توان در کنگره آمریکا دید. در این راستا، این مهاجران با کمک دو بازوی قدرتمند خود در کنگره، یعنی کمیته حزبی هند در مجلس نمایندگان و کمیته دوستداران هند در سنا، توانسته است مانع از تصویب برخی از قطعنامه‌ها علیه و تصویب برخی مصوبات به نفع هند (مثل محکوم کردن حرکت طالبان بر ضد اقلیت هندو، موافقت‌نامه همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز هند و آمریکا، تمجید از دموکراسی هند، قطعنامه کارگیل^۱ و قطعنامه ۵۲۶۷ علیه پاکستان، مخالفت با ذکر نام هند در لایحه عدم اشاعه) شود (واعظی، ۲۱:۱۳۹۳).

در زمان انتخابات، یکی از دلایل تلاش هر دو حزب آمریکا برای جذب حمایت جامعه هندی‌تباران آمریکا، این است که جمعیت هندی‌تبارها در ایالت‌های دارای رقابت تنگاتنگ نظیر فلوریدا، میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین می‌تواند نتیجه‌ای تعیین‌کننده داشته باشد. لذا، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری برای جلب رای آنان، نمی‌توانند نسبت به منافع هند بی‌تفاوت باشند. در دوره انتخابات، مهاجران هندی لابی‌های گسترده‌ای شروع می‌کنند تا با اعمال نفوذ و تحمیل تقاضاها و منافع خود، رای جامعه خود را به نفع نامزد مورد نظر جلب کنند.

در جریان خیزش بحران کرونا در هند، جامعه هندی-آمریکایی برای جلب حمایت‌های بهداشتی آمریکا از هند با قدرت بیشتری ظاهر شد تا دولت بایدن را به واکنش وادار کند. در این راستا، مدیران بزرگ فن‌آوری با نمایندگان کنگره در مورد هند ارتباط برقرار کردند و از آن‌ها خواستند اطمینان حاصل کنند که کمک‌ها به‌طور گسترده برای مردم هند در دسترس است. بحران فزاینده بهداشتی هند باعث شد اتاق بازرگانی ایالات متحده یک کارگروه جداگانه را با تمرکز بر تامین اکسیژن و تجهیزات پزشکی برای هند تشکیل دهد (2: Tourangbam & Simon, 2021). در واقع، ظهور ویروس کرونا مهم‌ترین موضوع جهانی اخیر است که با بازتعریف مفهوم امنیت مشترک، وابستگی متقابل پیچیده را در سیاست بین‌الملل گسترش داد.

¹ . Kargil

۳. کاهش نقش نیروهای نظامی

یکی از مهم‌ترین نتایج وابستگی متقابل پیچیده، کاهش نقش زور و نیروی نظامی در حل و فصل اختلافات بین کشورها است چرا که به علت درهم‌تنیدگی‌های متقابل اقتصادی، پیروزی مفهوم خود را در جنگ از دست می‌دهد و نتیجه باخت-باخت برای طرفین خواهد بود. به لحاظ تاریخی نیز ارتش ایالات متحده و هند سابقه درگیری نظامی نداشتند. نه تنها به‌کارگیری نیروی نظامی بلکه تهدید به استفاده از نیروی نظامی از سوی ایالات متحده جهت اعمال فشار به هند، موضوعیت نداشته است. در واقع استفاده از نیروی نظامی بر ضد هند به این دلایل مختلف تا حد زیادی نامربوط باشد. نخست، هند از نظر منابع انسانی و طبیعی و رشد اقتصادی، قابلیت نظامی و فن‌آوری یک قدرت بزرگ به‌شمار می‌رود. دوم، هند بزرگترین دموکراسی در جهان و با نهادهای سیاسی لیبرالی و قوه قضاییه مستقل به‌شمار می‌رود. سوم، هیچ منازعه مستقیمی بین منافع استراتژیک دو کشور وجود ندارد.

فرصت‌های گذار به وابستگی متقابل پیچیده

نگاهی متقابل در هند و ایالات متحده در مورد اهمیت طرف مقابل در تمامی حوزه‌های تجاری، امنیتی و انسانی وجود دارد. رابطه هند و آمریکا برای یک‌دیگر در حوزه‌های موضوعی مختلف اعم از اقتصادی، هسته‌ای، امنیتی، مهار چین، تروریسم، زیست‌محیطی بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب خاص، دارای اهمیت است و در هر حوزه همکاری، دو کشور منافع مهمی دارند که قابل چشم‌پوشی نیست و هر کدام جایگاه خود را در منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو کشور دارند. باراک اوباما در نوامبر سال ۲۰۱۰ در سفر خود به دهلی نو ارتباط آمریکا و هند را ارتباط قرن نامید و در خصوص مسائل مهم جهانی و منطقه‌ای از جمله اختلافات بر سر نقش و جایگاه منطقه‌ای چین و پاکستان، اوضاع افغانستان، بحران اقتصادی جهان مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، همکاری‌های دفاعی و هسته‌ای دوجانبه و هم‌چنین رفع محدودیت در خصوص صادرات فن‌آوری پیشرفته از آمریکا به هند با نخست‌وزیر این کشور مذاکره نمود.

به طور کلی، مدل وابستگی متقابل پیچیده کوهن و نای در وهله نخست با مسائل مهاجرتی، اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و اکولوژیک مرتبط است و سپس حوزه‌های سنتی دفاعی و امنیتی. هرچند، باید اشاره شود که وابستگی متقابل پیچیده بین هند و ایالات متحده به‌ویژه در دوره اوباما به علت درگیری هر دو طرف در مسائل مرتبط با تروریسم، ابعاد امنیتی نیز پیدا کرد. ضرورت مبارزه با تروریسم که امنیت داخلی آمریکا و هند را به‌خطر انداخته بود، دو کشور را به همکاری نزدیک برای

کنترل فعالیت‌های تروریستی در نقاط مختلف از جمله پاکستان، افغانستان، خاورمیانه و دیگر مناطق سوق داد. با در نظر گرفتن این موضوع که هند و پاکستان دارای تسلیحات هسته‌ای هستند و نگرانی از اینکه گروه‌های تروریستی بتوانند به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند، وابستگی متقابل بین هند و آمریکا را پیچیده‌تر کرده است.

گذار به وابستگی متقابل پیچیده، فرصت‌هایی برای طرفین ایجاد نموده است. نخست، وابستگی متقابل این امکان را به هند می‌دهد تا سود بهینه‌ای از روابط استراتژیک خود با آمریکا به‌ویژه در حوزه دفاعی و امنیتی ببرد. هند دیگر دارای وابستگی انحصاری به تجهیزات روسی نیست، هرچند روسیه هم‌چنان از تامین‌کنندگان جدی تسلیحات هند است اما انحصار پیشین روس‌ها از بین رفته است. این بدان معناست که وابستگی متقابل پیچیده سبب متنوع‌سازی مبادی تامین جنگ‌افزارها برای هند می‌شود.

دوم، اعتباری که هند با این وابستگی متقابل پیچیده با ایالات متحده با عنوان یک قدرت نوظهور جهانی دریافت می‌کند سبب می‌شود تا چین ارزش راهبردی هند در سلسله‌مراتب کنشگران دولتی را به رسمیت بشناسد. این مسئله را می‌توان تا حد بالایی در موافقتنامه‌هایی که پس از سال ۲۰۰۵ بین هند و چین به امضا رسیده مشاهده نمود. براساس این توافقات، هر دو کشور نه تنها اقدام به تمرین‌های نظامی مشترک خواهند کرد بلکه در مسائل منطقه‌ای و جهانی نظیر تغییرات آب و هوایی، حقوق بشر و ... با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

سوم، ارتقای وابستگی متقابل بین هند و آمریکا به تعمیق روابط دوجانبه و چندجانبه کمک کرده که آثار مثبتی برای طرفین دارد. از یک سو، با اقدامات جورج بوش، برخی محدودیت‌های تجارت هسته‌ای در سال ۲۰۰۸ لغو شد، محدودیت‌هایی که از سال ۱۹۷۴ وضع شده بود و مانع دسترسی هند به بازار انرژی هسته‌ای می‌گردید. از سوی دیگر، توافق هسته‌ای بین آمریکا و هند سبب دسترسی شرکت‌های بزرگ آمریکایی نظیر وستینگ‌هاوس و جنرال الکتریک به بازارهای انرژی هند شد.

گذار به وابستگی متقابل اقتصادی پیچیده حضور آمریکا در بازارهای هند را به شدت تقویت نموده است. دسترسی به بازار بزرگ و میلیاردری هند، ورود نیروی کار بسیار ارزان، اشاعه دموکراسی، ایجاد تعادل استراتژیک در حضور ایالات متحده در نقاط مختلف جهان از مهم‌ترین فرصت‌های ایجاد شده برای ایالات متحده در دوران گذار به وابستگی متقابل پیچیده با هند است (ملکی، ۱۳۹۱: ۴). هند به خاطر برخی موانع و چالش‌هایی که در مسیر روابط با آمریکا دارد تلاش می‌کند با حفظ استقلال

استراتژیک خود از «شراکت^۱» به سمت «اتحاد^۲» با آمریکا حرکت نکند و توازن نرم خود را در برابر سایر قدرت‌های بزرگ حفظ کند.

علی‌رغم وابستگی متقابل پیچیده بین هند و آمریکا، تعارضاتی نیز در سیاست خارجی دو کشور وجود دارد. بر خلاف آمریکا، هند دوست ندارد به خاطر حفظ روابط رو به رشد اقتصادی خود با چین، علنا نوک پیکان همکاری استراتژیک با آمریکا، علیه چین باشد. در بحث ایران، هند بر خلاف آمریکا، طرفدار تعامل با این کشور است. هند به منظور حفظ دسترسی به آسیای مرکزی و افغانستان و رفع نیازهای رو به رشد انرژی به حفظ روابط با ایران نیاز دارد. در رابطه با روسیه، ایالات متحده بیش از هند نگران موضع تهاجمی روسیه است و دهلی نو در تحریم مسکو به دلیل جنگ اوکراین به دموکراسی‌های غربی به غرب نپیوسته است. هند هم‌چنان علاقه‌مند به خرید سخت افزار نظامی روسیه و تولید تسلیحات مشترک است، اما ایالات متحده به دنبال جایگزینی روسیه به‌عنوان نزدیک‌ترین شریک هند و تامین‌کننده اصلی تسلیحات این کشور است. هند در نوامبر ۲۰۱۷ به سازمان همکاری شانگهای پیوست و راهی برای جلوگیری از محاصره چین شد و مسکو راه را برای پذیرش دهلی نو به عنوان راهی برای ایجاد تعادل در برابر چین در آسیای مرکزی هموار کرد (Burgess, 2019E:94-95).

به طور کلی، جایگاه چین به‌عنوان اولین کشور در سیاست تجاری هند، وابستگی هند به تسلیحات روسی، وابستگی آمریکا به پاکستان در مبارزه با تروریسم در افغانستان علی‌رغم خروج نظامی از این کشور با توجه به مجاورت جغرافیایی و نفوذ پاکستان بر طالبان و موضوع هسته‌ای و نوع تعامل با ایران بخشی از چالش‌هایی هست که در مسیر روابط هند و آمریکا قرار دارد.

نتیجه‌گیری

روند همکاری‌های ایالات متحده و هند در دوران پس از جنگ سرد روندی رو به رشد داشته است. این همکاری در دوران پس از جنگ سرد سرعت بیشتری گرفت و با کنار رفتن سایه سنگین شوروی، نوعی وابستگی متقابل در روابط هند و ایالات متحده شکل گرفت. هرچند، آزمایش‌های هسته‌ای هند اختلالی در این روند ایجاد کرد اما تحولات دوران پس از ۱۱ سپتامبر و به ویژه توافق‌نامه اتمی ۲۰۰۵ سبب تقویت وابستگی متقابل و نوعی گذار به وابستگی متقابل پیچیده بین دو کشور گردید. این گذار با

1. Partnership

2. Alliance

مؤلفه‌های وابستگی متقابل پیچیده نای یعنی گسترش کانال‌های ارتباطی بین طرفین، از بین رفتن سلسله مراتب در حوزه‌های همکاری و کاهش نقش نظامی، قابل‌سنجش و تا حد بالایی قابل‌تایید است، به طوری که با توجه به این سطح از وابستگی متقابل، کنار رفتن آن می‌تواند سبب آسیب‌پذیری جدی طرفین در حوزه‌های تجاری، اقتصادی، امنیتی و مبارزه با تروریسم شود. با این وجود، کاربست وابستگی متقابل پیچیده در روابط ایالات متحده و هند با چالش‌هایی مواجه است. بخش قابل‌توجهی از این چالش‌ها به محدودیت‌های ناشی از فشارهای موجود سایر قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و چین بازمی‌گردد. این فشارها سبب می‌شود تا گزینه متنوع‌سازی سیاست خارجی در بین سیاست‌گذاران هند پررنگ‌تر شود.

این متنوع‌سازی که هدف آن بیشتر مصون‌سازی هند در قبال تحولات مهم در سطح بین‌المللی است را می‌توان در تعدیل روابط هند با روسیه مشاهده نمود. اعمال این سیاست را می‌توان در سکوت هند در جریان الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و رای ممتنع هند به محکومیت روسیه در حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲ مشاهده کرد. هم‌چنین تلاش‌های چین برای گسترش همکاری‌های اقتصادی با هند و تبدیل این کشور به بزرگ‌ترین شریک تجاری هند، نشان می‌دهد که چین به دنبال خنثی‌سازی رویکرد ایالات متحده نسبت به هند به عنوان عنصر موازنه‌گر چین است.

منابع و مأخذ

- آقای سید داوود و عقداپی، سیدهدایت الله (۱۳۹۳)، «سیاست آسیایی ایالات متحده در دوره ی اوباما بررسی مناسبات سیاسی امنیتی آمریکا با هند»، فصلنامه سیاست، شماره ۴۴، صص ۳۱۳-۳۲۲.
- بارکین، ساموئل (۱۳۹۳)، سازمان‌های بین‌المللی؛ نهادها و تئوری‌ها، ترجمه عبدالمجید سیفی و مصطفی انتظارمهدی، تهران: انتشارات کویر.
- پورویان، رضا، مجتهدزاده، پیروز، حافظ‌نیا، محمد و عزتی، عزت (۱۳۹۱)، «تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه شبه‌قاره هند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره سوم، صص ۱-۳۴.
- حسینی، سیداصغر، اصغری ثانی، حسین و رازجانی، مریم (۱۳۹۲)، «سیر تحول راهبرد امنیتی - نظامی هند از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰»، سیاست دفاعی، شماره ۸۴، صص ۸۰-۱۰۱.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۲)، سیاست خارجی آمریکا در آسیا، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- سجاد پور، محمد کاظم و پهلوانی، سید محمد کاظم (۱۳۹۱)، «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها»، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره اول، صص ۹۱-۱۲۰.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۹)، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: انتشارات سمت.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۴)، روابط استراتژیک هند و آمریکا، گزارش راهبردی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۵)، «همکاری هسته‌ای هند و آمریکا: علل و پیامدها»، سیاست دفاعی، شماره ۵۵، صص ۴۱-۶۶.
- شفیعی، نوذر و ماندنی، زهرا (۱۳۸۹)، «معامله هسته‌ای آمریکا و هند: فرصت‌ها و چالش‌ها»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۴، صص ۱۲۳-۱۴۴.
- مرادی، مسعود (۱۳۹۱)، «تسلیمات اتمی و پیوندهای هند، اسرائیل و آمریکا»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۱۷۹-۱۹۱.
- ملکی، عباس (۱۳۹۳)، «درس‌هایی که از روابط هند ایالات متحده میتوان اموخت»، راهبرد، شماره ۷۰، صص ۳۲۸-۳۳۹.
- واعظی، طیبه (۱۳۹۲)، «دیاسپورا و روابط دوجانبه، مطالعه موردی آمریکاییان هندی‌تبار»، مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره اول، صص ۸۱-۱۰۶.
- واعظی، طیبه و حمیرا مشیرزاده (۱۳۹۴)، «تاثیر ساختار نظام بین‌الملل بر گسترش روابط هند و آمریکا در دوره جورج بوش»، مطالعات شبه قاره، شماره ۲۵، صص ۸۸-۱۱۱.
- Akhta, Shayerah I.; Kronstadt, K. Alan (2022), "U.S.-India Trade Relations", **Congressional Research Service (CRS)**, January 21. available at: <https://sgp.fas.org/crs/row/IF10384.pdf>
- Bajoria, Jayshree and Pan, Esther (2010), "The U.S.-India Nuclear Deal", **Concil on Foreign Relations**, Nov 5, available at: <https://www.cfr.org/backgrounders/us-india-nuclear-deal>
- Confederation of Indian Industry (CII) (2020). "Indian Roots, American Soil", available at: <https://static1.squarespace.com/static/53e65fe5e4b095b58f606a9a/t/6003640234e5f821272e19da/1610834952359/2020+CII+IRAS+Report.pdf>
- Choudhury, sahel Roy (2020), "India will get access to U.S. satellite data that can make military missiles more precise", **CNBC**, Oct 28, available at: <https://www.cnbc.com/2020/10/28/india-will-get-access-to-us-satellite-data-that-can-make-military-missiles-more-precise.html>
- Deshpande, Prashant Prabhakar (2021). "Quad & its significance for India", **Times of India**, Nov 2, available at: <https://timesofindia.indiatimes.com/blogs/truth-lies-and-politics/quad-its-significance-for-india/>
- Genest, Marc A. (1996), **Conflict and Cooperation: Evolving Theories of International Relations**, CA: Thomson & Wadsworth.

- Hosur, Prashant (2010), "The Indo-US civilian nuclear agreement: What's the big deal?", **International Journal**, Vol. 65, No. 2, pp. 435-448.
- India express (2022). "India, US signed bilateral space situational awareness arrangement: Lloyd Austin", Apr 12, available at: <https://indianexpress.com/article/world/india-us-signed-bilateral-space-situational-awareness-arrangement-lloyd-austin-7865396/>
- India express (2021), "World Bank slashes India's growth forecast to 8.3% in FY22", June 9, available at: <https://indianexpress.com/article/business/economy/world-bank-slashes-indias-growth-forecast-to-8-3-per-cent-in-fy22-7350693/>
- İŞIKSAL, Hüseyin (2004), "To What Extend Complex Interdependence Theorists Challenge to Structural Realist School of International Relations?", **Alternatives**, Vol.3, No.2-3, available at: https://ciaotest.cc.columbia.edu/olj/tjir/v3n2_3/tjir_v3n2_3ish01.pdf
- Kahn, Reza (2020), "Complex interdependence and corona", **The News**, March 22, available at: <https://www.thenews.com.pk/tns/detail/632454-complex-interdependence-and-corona>
- Keohane, Robert O., and Nye, Joseph S. (1977), **Power and Interdependence: World Politics in Transition**, Boston: Little, Brown & CO.
- Kronstadt, K. Alan and et.al. (2021), "India-U.S. Relations", **Congressional Research Service**, July 19, available at: <https://sgp.fas.org/crs/row/R46845.pdf>
- Lalwani, Sameer and Byne, Heather (2019), "Great Expectations: Asking Too Much of the US-India Strategic Partnership", **The Washington Quarterly**, Vol.42, No.3, Fall, available at: http://sameerlalwani.com/wp-content/uploads/2020/07/LalwaniByrne_TWQ-2019-Great-Expectations-Final.pdf
- Main, J. M. (2016), *India-US Relations in the Age of Uncertainty*, New York: Rutledge.
- One India (2019). "About 200 US companies to move manufacturing from China to India", Apr 22, available at: <https://www.oneindia.com/international/about-200-us-companies-to-move-manufacturing-from-china-to-india-2883923.html>
- Phdcci (Phd Chamber of Commerce and Industry) (2020), "The Future of Expanding India-USA Bilateral Relations Strengthening bilateral ties through Free Trade Agreement", November, available at: <https://www.phdcci.in/wp-content/uploads/2020/11/The-Future-of-Expanding-India-USA-Bilateral-Relations-Strengthening-bilateral-ties-through-FTA.pdf>
- Philip, Snehash (2020), "The 3 foundational agreements with US and what they mean for India's military growth", **The Print**, Oct 27, available at: <https://theprint.in/defence/the-3-foundational-agreements-with-us-and-what-they-mean-for-indias-military-growth/531795/>
- Roy, Shubhajit (2020). "Explained: BECA, and the importance of 3 foundational pacts of India-US defence cooperation", **India Express**, Nov 3, available at: <https://indianexpress.com/article/explained/beca-india-us-trade-agreements-rajnath-singh-mike-pompeo-6906637/>
- Santander Trade (2022). "India Foreign Investment", June, available at: <https://santandertrade.com/en/portal/establish-overseas/india/foreign-investment>

- Studocu (2020), “Complex Interdependence Theory”, At: <https://www.studocu.com/row/document/quaid-i-azam-university/debates-in-ir/complex-interdependence-theory/6774781>
- Tellis, Ashley J. (2012), “A New Friendship: US-India Relations, Carnegie Endowment for Intenational Peace”, Nov 29, **Carnegie Endowment**, available at: <https://carnegieendowment.org/globalten/?fa=50147>
- The Conversation (2022). “The Quad: US efforts to counter China’s influence in Asia mark a new era of micro alliances”, June 1, available at: <https://theconversation.com/the-quad-us-efforts-to-counter-chinas-influence-in-asia-mark-a-new-era-of-micro-alliances-183956>
- TMF Group (2018). “US Companiea Doing Business in India”, Apr 23, available at: <https://www.tmf-group.com/en/news-insights/articles/2018/april/us-companies-doing-business-in-india/>
- Tourangbam, Monish and Simon, Priyanjali (2021), “Biden’s First 100 Days and India-U.S. Relations”, **The Diplomat**, May 11, availavble at: <https://thediplomat.com/2021/05/bidens-first-100-days-and-india-u-s-relations>

